



«تومان» ساخته مرتضی فرشباف از فیلم‌های متفاوت جشنواره سی و هشتم فجر است که نمونه‌اش را در فیلم‌های امسال به سختی می‌توان جست‌وجو کرد.

برش‌های کوتاه

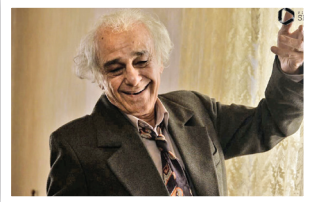
ایران فقط تهران نیست

علی رستگار



ایران، فقط تهران نیست و جغرافیا و فرهنگی غنی و متنوع دارد؛ برای همین می‌توان ضمن تولید آثاری غالباً با زبان فارسی و برای فهم همگانی و تأکید بر وحدت و یکپارچگی زبانی و ملی، فیلم‌هایی هم با زبان‌ها و گویش‌های نقاط مختلف کشور تولید کرد و با زبان سینما هم به گونه‌گونی فرهنگی ایران احترام گذاشت. «سونسوز» به معنای عقیم و به‌عنوان نخستین فیلم رضا جمالی که با زبان ترکی و زیرنویس فارسی در سومین سانس روز اول در خانه جشنواره به نمایش درآمد، به‌عنوان اثری که با بودجه کم و در شهرستان ساخته شده، با روایتی بامزه و بازی‌گوشانه و بازی خوب ناباز یگرانش، نمره قبولی می‌گیرد و مخاطب را تا پایان با خود همراه می‌کند. هر چند فیلم می‌توانست با ذوق، خلاقیت و نمک بیشتر، به اثری جذاب‌تر تبدیل شود و مخاطبان را باز هم پای فیلم بنشانند، اما در همین وضعیت هم دیدن یک‌بار فیلم، خالی از لطف نیست. مریم مومن هم به‌عنوان تنها بازیگر سرشناس فیلم، در اثر حل شده و بهتر از نقش‌های فارسی‌زبان بازی می‌کند.

سرخوردگی عمیق



اطلاع از ترکیب رضا بابک و گلچهره سجاده‌په در میان بازیگران، پیش از مواجهه، ایجاد کنجکاوی و علاقه می‌کند و آغاز باطمینان «ترک عمیق» هم این امیدواری را افزایش می‌دهد. بازگشت ناگهانی یک بیمار با اختلالات روانی به خانه، نوید یک سایکودرام جذاب را می‌دهد، اما تعلیق جاری در اثر در ادامه، دستاورد خوشایندی ندارد و با یک سرخوردگی عمیق سالن سینما را ترک می‌کنیم. توقعاتی که از حضور بازیگری چون گلچهره سجاده‌په داریم به‌دلیل پرداخت ناکافی برآورده نمی‌شود. تلاش رضا بابک برای بازی متفاوت هم باز به‌خاطر مسیر قصه‌آطور که باید به بار نمی‌نشیند. فیلم با ورود پلیس جوان اُفت می‌کند و در متن و اجرا به بیراهه می‌رود و غافلگیری موردنظر هم کارکرد مؤثری ندارد. فیلمساز در ژانرهای مختلف، نیاز سینمای ایران است، خدا خیرتان بدهد، اما قبل از آزمون و خطای سرمایه‌ای، چندین بار شاهکارهای ژانرهای موردنظر را ببینید و از روی آن بنویسید و بعد سراغ نوشتن فیلمنامه و ساخت نمونه‌های وطنی بروید.



صدای سنگین روز مرگی

در نگویش جای خالی فیلم‌های متفاوت در جشنواره امسال

ناصر احدی

گردآورنده - که در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها از او با عنوان «کیوریتور» یاد می‌شود - مواجهه‌ای بی‌واسطه با تماشاگر و مخاطبش دارد که از نیت و قصد واقعی او پرده برمی‌دارد. جشنواره‌های بزرگ سعی نمی‌کنند ایده‌ها، رویه‌ها، ترجیحات و جهان‌بینی‌شان را از شرکت‌کنندگان و مخاطبان‌شان پنهان کنند. به واسطه همین صداقت است که وقتی ایثار می‌کند و جایگاهی برای آثار متفاوت در نظر می‌گیرد، جلب توجه می‌کنند و این کارشان زمینه‌ساز ایجاد جریان‌های نو در سینما تلقی می‌شود.

این دو ویژگی نیاز اصلی جشنواره‌ها برای توجه به آثار متفاوت است. حتی در جشنواره فیلم ونیز در دوره موسولینی که از نگاه امروزی منطقی و فاخرش است، فیلم‌های هنری‌ای که با کلیت جشنواره متفاوت بودند امکان نمایش داشتند. ذات جشنواره ایجاد می‌کند که به تنوع میدان داد و به دنبال استعدادها و نگاه‌های خاصی بود که چشم‌اندازشان را در فردا می‌جویند و با هنجارها و قواعد امروزی سرسازگاری ندارند. جشنواره‌ای که چنین نگاهی ندارد و فقط به آنچه هست از میان ضعیف‌ها و معمولی‌ها بسند می‌کند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به فرصتی تبلیغاتی برای بازاربایی کالاهایی بدل می‌شود که شاید به‌طور عادی مشتری نداشته باشند و محتاج قدری زرق‌وبرق و سروصدا برای جلب مشتری‌اند.

جشنواره فیلم فجر در ادوار گذشته فیلم‌های غافلگیرکننده که تماشاگر را هیجان زده کرده و منتقد را به وجد آورده کم نداشت. خیلی لازم نیست به سال‌های دور برویم. در همین یک دهه گذشته بارها فیلم‌هایی در جشنواره نمایش داده شده که نشان داده مسئولان جشنواره به نمایش آثار خاص و متفاوت بی‌توجه نبوده‌اند. در جشنواره سی و هشتم که در بهمن سال ۱۳۹۸ برگزار شد، «ایر بارانش گرفته» به کارگردانی مجید برزگر نمایش داده شد. در همین سال، «تومان» ساخته مرتضی فرشباف در این جشنواره اکران شد. «ایر بارانش گرفته» هنوز اکران عمومی

جشنواره قرار است محل نمایش بهترین‌ها باشد، بهترین‌های تجاری تا بهترین‌های هنری. وقتی عمده فیلم‌های یک جشنواره آثاری معمولی و نازل است، جشنواره چه معنایی دارد؟ چرا ضعیف‌ها و متوسط‌ها باید با هم رقابت کنند؟ اصلاً چرا باید جشنواره‌ای برای فیلم‌های متداولی برگزار کرد که در تمام طول سال پرده سینماها را در تسخیر خود دارند؟ جشنواره‌های معتبر، هر قدر هم تجاری و درگیر مناسبات مالی، جذابیتشان را از ایثار و صداقتی می‌گیرند که در انتخاب فیلم‌ها دارند. چرا ایثار؟ چون جشنواره‌های درجه‌اول خط‌مشی و اولویت‌هایی دارند که انتخاب‌هایشان مقید به آنهاست، اما برای حفظ اعتبار و جایگاهشان همیشه فیلم‌هایی را متفاوت با روح زمانه و گاه حتی در تعارض با چارچوب‌های خودشان می‌پذیرند تا به دیده شدن این نوع فیلم‌ها و ورق خوردن تاریخ سینما کمک کنند. اگر همه جشنواره‌ها دست‌به‌عصا بودند و مهر زد بر فیلم‌هایی با موضوعات و ساختارهای متفاوت می‌کوبیدند، خیلی از فیلم‌هایی که امروز به‌عنوان شاهکار می‌شناسیم و مسیر تاریخ سینما را تغییر داده‌اند، فرصتی برای عرضه و نمایش پیدا نمی‌کردند. مدیران جشنواره‌هایی مثل کن، ونیز و برلین بارها با به خطر انداختن موقعیت و اعتبار حرفه‌ای‌شان زمینه حضور فیلم‌های بحث‌برانگیز در این جشنواره‌ها را مهیا کرده‌اند و با پذیرش ریسک نمایش دادن این فیلم‌ها، جشنواره‌ها پیشان را به جایگاهی که حالا دارند برکشیده‌اند. این نوعی ایثارگری است که در جشنواره‌های حرفه‌ای رخ می‌دهد. اما چرا صداقت؟ چون هر مجموعه‌ای که فراهم می‌آید، نشانی از جهان‌بینی و تفکر گردآورنده آن مجموعه دارد. ذات انتخاب به هر مجموعه‌ای معنا و مفهومی خاص می‌دهد. حتی در تصادفی‌ترین مجموعه‌های گردآمده هم می‌توان سررئخ‌هایی از ذهنیت گردآورنده پیدا کرد. در این وضعیت، خواه‌ناخواه،

